

نقش زنان در فرایندهای مربوط به صلح در عصر

جهانی شدن

(مورد مطالعه: افغانستان)

* مهدی عباس عباس زاده فتح آبادی *

** نیلوفر السادات عمرانی **

*** شهرام عسکری حصن ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲

چکیده

در عصر جهانی شدن با اهمیت یافتن موضوع حقوق زنان، تلاش‌هایی در زمینه نقش زنان در فرایندهای مربوط به صلح در سطح کلان و خرد انجام گرفته است. موضوع صلح در کشور افغانستان به سبب تحولاتی که طی سه دهه گذشته با آن روبه‌رو بوده، اهمیت یافته است. با توجه به شرایط مختلفی زنان در میان کشورهای گوناگون و از آنجا که این امر خود بر نقش زنان در فرایندهای صلح تأثیر می‌گذارد، پژوهش حاضر بر موضوع نقش زنان در فرایندهای مربوط به صلح در عصر جهانی شدن با تأکید بر کشور افغانستان تمرکز کرده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که زنان افغانستان چه نقشی در فرایندهای مربوط به صلح در این کشور داشته‌اند؟ این پژوهش ابتدا به‌طور مختصر اقدامات بین‌المللی در زمینه نقش زنان در فرایندهای مربوط به صلح را بررسی کرده، سپس، بعد نقش زنان افغانستان در روند صلح در این کشور را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که زنان افغانستان وضعیت متفاوتی طی دوره‌های گوناگون داشته‌اند و در برخی دوره‌ها از بسیاری از حقوق ابتدایی خود محروم بوده‌اند و این امر خود بر نقش آن‌ها در روند صلح تأثیر گذاشته است. زنان فقط در طی سال‌های گذشته حضور بیشتری در روند صلح داشته‌اند. پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات در آن مطالعات کتابخانه‌ای بوده است.

کلیدواژه‌گان: اقدامات بین‌المللی، جهانی شدن، صلح.

* استادیار، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

** نویسنده مسئول: کارشناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

رایانامه: niloofar.em@gmail.com

*** دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران

سیهر سیاست

سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

قرن بیستم و به‌ویژه سال‌های پایانی آن را می‌توان دوران توجه روزافزون به مسائل زنان دانست. از سال‌های پایانی قرن بیستم نقش زنان در تحقق برنامه‌های توسعه افزایش چشمگیری داشته است. قرن بیستم را باید «قرن زنان» دانست زیرا در شرایط آن‌ها تحولات اساسی رخ داده و در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دگرگونی‌های وسیعی انجام گرفته است. در همه کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای غربی، وضعیت زنان نسبت به گذشته ارتقا یافته است؛ با این حال، همچنان اکثریت شایان توجهی از زنان در سراسر جهان، شاهد اعمال خشونت‌های گوناگون هستند.

در جهان امروز که هر کشوری باید با حداکثر توان خود برای رشد و توسعه با دیگر کشورها رقابت کند، به زنان به عنوان نیمی از جمعیت نمی‌توان بی‌توجه ماند. آنان یکی از سرمایه‌های باارزش در هر کشور به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه هستند. زنان به عنوان جمعیت فعال، در پیشرفت و توسعه همه‌جانبه هر کشوری تأثیری مستقیمی دارند و راهبردهای هر جامعه توسعه‌یافته‌ای، باید بر مبنای مشارکت فعال زنان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پایه‌ریزی شود.

یکی از مباحث مهم در تاریخ زندگی بشر، صلح بوده است. برخی کشورها نظیر افغانستان برای مدت‌های مدیدی در تاریخ خود درگیر جنگ بوده‌اند و زنان به عنوان نیمی از جمعیت، قربانی این جنگ‌ها شده‌اند و فقدان صلح را تجربه کرده‌اند. اکنون زمانی است که تحولات پیچیده جهانی و پدیده‌های فکری جدیدی افراد را احاطه کرده است. یکی از این پدیده‌های عصر حاضر جهانی شدن است. به‌ندرت می‌توان جامعه‌ای را یافت که جهانی شدن را تجربه نکرده باشد؛ اما این پدیده در نقاط گوناگون و بر اقشار مختلف آثار متفاوتی را بر جای گذاشته است. صلح به عنوان یکی از دغدغه‌های بشر طی تاریخ در عصر حاضر، همچنان اهمیت دارد. برای رسیدن به صلح پایدار، عادلانه و فراگیر نیازمند توجه به نیمی از جمعیت یعنی زنان است. امروزه با اهمیت نقش زنان، توجه به نقش آن‌ها در صلح بیش از گذشته احساس می‌شود.

در پژوهش حاضر سعی شده است علاوه بر هدف اصلی که بررسی نقش زنان افغانستان در فرایندهای مربوط به صلح در عصر جهانی شدن است، وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان افغانستان در گذر زمان نیز به‌طور اجمالی بررسی شود.



مبانی نظری

جهانی‌شدن

در تعریف جامع و مانع پدیده جهانی‌شدن، میان صاحب‌نظران و اندیشمندان اجماع وجود ندارد و هر دسته به تناسب برداشتی که از این پدیده دارند و پیش‌زمینه‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی که بدان تعلق دارند، تعریف خاصی از این پدیده بیان کرده‌اند (میرمحمدی، ۱۳۸۱، ص ۲). آنچه تعریف جهانی‌شدن را دشوار می‌کند، فرایندهای گوناگون و گاه متعارضی است که در آن وجود دارد. نوپابودن مطالعات و نظریه‌پردازی‌های انجام‌گرفته از یک طرف، و چندوجهی‌بودن و پیچیدگی این پدیده از دیگر سوی، باعث شده است نتوان تعریفی واحد بیان کرد (گل‌محمدی، ۱۳۹۳، صص ۱۱ و ۱۲). علی‌رغم تعریف‌های گوناگون در زمینه جهانی‌شدن، بیشتر دانشمندان بر یک تعریف اتفاق نظر دارند و آن هم درهم‌تنیدگی و پیوند بیشتر و غیرسرزمینی‌شدن به سبب گسترش تعامل‌های بین‌المللی است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸، صص ۱۵ و ۱۶). پدیده جهانی‌شدن ابعاد و لایه‌های متعددی دارد. از نظر مک‌گرو جهانی‌شدن فرایندی چندبُعدی است که ابعاد و حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی-اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی را شامل می‌شود (قریب، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

صلح

صلح در لغت به معنای سازش کردن و آشتی و تراضی میان متنازعين است (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۲). از صلح تعریف‌های مختلفی وجود دارد؛ از جمله صلح مساوی است با فقدان جنگ. اما امروزه با دیدی همه‌جانبه صلح به معنای فقدان جنگ نیست، بلکه مفهوم گسترده‌تری دارد که شامل موارد مختلف امنیتی (از جمله اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و زیست محیطی) است (شفیعی، ۱۳۹۱).

رابطه جهانی‌شدن و صلح

جهانی‌شدن، فرایندی پیچیده است و بر هر جنبه‌ای از زندگی بشر، از جمله دیپلماسی تأثیر می‌گذارد. جهانی‌شدن به فعالیت‌های دیپلماتیک منجر می‌شود، به طوری که در دنیای کنونی، روند تکاملی دیپلماسی از دیپلماسی کلاسیک به

نقش زنان در
فرایندهای مربوط
به صلح در عصر ...
(۱۷۳ تا ۱۹۹)

دیپلماسی چندجانبه، دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی هوشمند در حال وقوع است. در واقع، دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر رویکردهای مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز، تبادل مراودات و ارتباطات فرهنگی به ایجاد جامعه‌ای جهانی براساس امنیت، حقوق بشر، آزادی، مردم‌سالاری و صلح منجر می‌شود. به‌طور کلی، صلح‌سازی یکی از فرعیات جهانی‌شدن فرهنگ است. دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری انعطاف‌پذیر و کارآمد سیاست خارجی، به تفاهم، صلح و ثبات بین‌المللی منجر می‌شود (شهرام‌نیا و نظیفی نائینی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸).

حقوق زنان

به اعتقاد بسیاری از حقوق‌دانان، «حقوق زن همان حقوق بشر است». معنای این جمله این است که حقوق زن از حقوق بشر تفکیک‌ناپذیر است. اسناد و تعهدات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر کاملاً قابل تسری به «حقوق زنان» است. اسناد بین‌المللی حقوق بشر به گونه‌ای بی‌طرف و فارغ از جنسیت در رابطه با حقوق انسان‌ها می‌باشند و در راستای بیان تساوی همه مردم اعم از زن و مرد هستند (وثوقی، ۱۳۸۹، ص ۱۹). حقوق بشر به معنای امتیازات کلی است که هر فرد انسانی براساس طبع، ذات، شأن و مقام خویش، هم به نفس انسان‌بودن (نگرش فردی و درونی)، و هم به لحاظ نقش کلی در جهان هستی و در عرصه روابط جمعی و درون سازمان اجتماعی (رویکرد جمعی، خارجی و بیرونی) از آن برخوردار است. البته جک دانلی^۱، بر این اعتقاد است که حقوق بشر، مجموع حقوقی است که هر فرد، به واسطه انسان‌بودن دارد و فقط به بعد اول این تعریف یعنی نگرش فردی و درونی می‌پردازد (سازمند، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

ضمن اینکه حقوق بشر مربوط به زنان بخش جدایی‌ناپذیر و تقسیم‌ناشدنی حقوق بشر عام است، زنان به لحاظ جنسیت خود نیازمند حقوق ویژه خود نیز می‌باشند. در اعصار مختلف زنان به لحاظ تفاوت‌های بیولوژیک و جز آن با مردان، بسیاری از حقوق بشر را که هر انسانی جدای از مرد یا زن بودن باید دارد، به لحاظ زن‌بودن از دست داده‌اند و علاوه بر این، زنان از حقوقی که باید به دلیل ویژگی زن‌بودن دارا باشند، محروم مانده‌اند. بنابراین، در تعریف حقوق زن هم باید حقوقی را که به لحاظ انسان‌بودن و هم حقوقی را که مختص به جنس زن است گنجانند



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

1. Jack Donnelly

(وثوقی، ۱۳۸۹، ص ۱۹). به طور کلی، حقوق زن عبارت است از «حقوقی که زن به لحاظ انسان بودن و به لحاظ زن بودن یعنی جنسیت او برای زندگی انسانی خود بدان نیازمند است» (شایگان، ۱۳۷۴، ص ۵۷۱).

اقدامات زنان در عرصه صلح بین‌المللی

وقوع مخاصمات مسلحانه گسترده در دهه‌های اخیر، حاکی از آن است که وقوع جنگ و مخاصمات مسلحانه گروه‌های مختلف اعم از کودکان، زنان، مردان و سالخوردگان را تحت تأثیر قرار داده است. توجه به آثار متفاوت مخاصمات مسلحانه بر زنان، سبب شده است اقداماتی در عرصه بین‌المللی در رابطه با موضوع زنان، صلح و امنیت بین‌المللی انجام گیرد (طاهری، ۱۳۹۳). زنان اغلب در مخاصمات، چه به عنوان مبارز و چه به عنوان فعالان سیاسی و اقتصادی، برای حمایت از خانواده خود فعالیت می‌کنند. البته امروز نقش زنان فراتر از مخاصمات، بلکه به منزله عوامل ایجاد و تحکیم دائمی صلح مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است. در حقیقت، صلح پایدار بدون مشارکت زنان و گنجاندن چشم‌اندازهای جنسیتی در فرایندهای رسمی و غیررسمی صلح، ایجاد نخواهد شد. زنان از گذشته تا امروز در اعمال نفوذ و سازماندهی صلح و خلع سلاح نقش فعالی را به عهده داشته‌اند. گروه‌های زنان که شامل عامه مردم، جبهه‌های چند حزبی و قومی تشکیل شده‌اند، صلح را ترویج می‌کنند و اقدامات آشتی‌جویانه انجام می‌دهند. آنان خواستار حذف تسلیحات کشتار جمعی شده‌اند و علیه سلاح‌های کوچک مبارزات تبلیغاتی انجام داده‌اند و در برنامه‌های جمع‌آوری سلاح‌ها مشارکت کرده‌اند و اطلاعاتی را درباره مین‌های زمینی منتشر کرده‌اند (شادمانی، ۱۳۹۵، ص ۸۳).

حضور نیروهای زن حافظ صلح به هنگام اجرای عملیات حفظ صلح یک نیاز مبرم و اساسی است. در بسیاری موارد زنان می‌توانند وظایف و مأموریت‌های نیروهای حافظ صلح نظیر کمک‌های روان‌درمانی و جمع‌آوری اطلاعات در زمینه قربانیان خشونت جنسی و فیزیکی، همکاری با زندانیان زن، استقرار مجدد آرامش و برگرداندن زنان درگیر در مناقشات و درگیری‌های بین‌المللی به زندگی شخصی‌شان، کمک به آموزش نظامی زنان در آکادمی‌های پلیس را با کیفیت بهتری انجام دهند. تا کنون ۳ درصد از نیروهای نظامی حافظ صلح را زنان تشکیل داده‌اند.

نقش زنان در
فرایندهای مربوط
به صلح در عصر ...
(۱۷۳ تا ۱۹۹)

اخیرا سه زن سمت ریاست نماینده ویژه دبیر کل و سه زن سمت قائم مقام و نماینده ویژه دبیرکل را در عملیات حفظ صلح به عهده گرفته‌اند.^۱ از طرف دیگر، زنان نقش بسیار مهمی در بسیاری از فعالیت‌های مربوط به جنگ و صلح دارند. زنان به عنوان همکاران دیپلمات‌ها، کارگران امور دفاعی، فاحشه‌های پایگاه‌های نظامی قربانیان غیرنظامی جنگی هستند. به عبارت دیگر، جنگ فعالیتی نیست که فقط در خدمت مردان یا انحصار آن‌ها باشد، بلکه جنگ فعالیتی مبتنی بر جنسیت و با وضعیتی خاص است که وضعیت تابعی را برای زنان ایجاد کرده است. با این حال، ایدئولوژی حاکم این است که مردان جنگجو عدالت‌پیشه و زنان عوامل زیبای حمایت شده‌اند. برای نمونه امی سوردلو بیان می‌کند که چگونه عملکرد جنبش اعتصاب زنان در آمریکا در اوایل دهه ۶۰ و خواسته‌های آنان توانست تا رئیس جمهور کندی را متقاعد کند تا معاهده‌ای برای کنترل تسلیحات هسته‌ای با اتحاد جماهیر شوروی به وجود آورد (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۱، صص ۳۴ و ۳۵).

نهاد زنان ملل متحد به مثابه یکی از بازیگران کلیدی در اقدامات صلح‌جویانه می‌تواند بستر مناسبی را برای رسیدن به این اهداف فراهم کند، این نهاد برای تحقق برنامه‌های خود در زمینه توجه به موضوع صلح اقدامات به‌نسبت مفیدی انجام داده است. شورای امنیت با تصویب برخی قطعنامه‌ها به نقش و توان این نهاد صحنه گذاشته و به کارآمدی آن کمک کرده است. مهم‌ترین رؤس این قطعنامه‌ها مبنی بر نقش‌دهی به زنان در مناطق بحرانی همچون اوگاندا، سودان، جمهوری دموکراتیک کنگو، افغانستان، کلمبیا، جزایر سلیمان و بوروندی از طریق توسعه استراتژی‌های جنسیت، مشارکت فعال در برگزاری انتخابات و آموزش تخصصی در عملیات صلح است.^۲ (www.unwomen.org).

رویکرد ویژه این سازمان نسبت به سهم زنان در وظایف مربوط به مقوله صلح از این نظر اهمیت دارد که از بدو تأسیس تاکنون اهمیت ویژه‌ای به نقش زنان و نگرش‌های مربوط به جنسیت در برنامه‌ریزی و عملیات حفظ صلح قائل بوده است. تأسیس ارگان‌های ویژه‌ای با عنوان کمیسیون مقام زن در سال ۱۹۴۶ نقطه



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

۱. برگرفته از www.un.org در تاریخ 16 January 2016.

۲. برگرفته از www.unwomen.org.

عطفی در مسیر ارتقای برابری و توسعه به شمار می‌رود. همان‌طور که این کمیسیون اعلامیه مربوط به ازبین بردن خشونت علیه زنان را در سال ۱۹۹۳ تنظیم کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳، ص ۳۵۶).

روند دولت‌های متخاصم در دهه‌های اخیر مبنی بر استفاده از ارتکاب به اشکال مختلف خشونت جنسی علیه زنان و دختران به عنوان تاکتیک و ابزاری نظامی، این ضرورت را ایجاد کرده است که اصلاحات و اقداماتی در چارچوب ساختار کنونی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، برای ارتقای مشارکت و نقش‌پذیری و حمایت از زنان انجام گیرد. یکی از راه‌کارهایی که در این ارتباط مطرح شده است ارتقای حساسیت‌های جنسی در زمینه مخاصمات مسلحانه بوده است؛ از جمله در رواندا، هائیتی، لیبیا، با همکاری نهاد زنان ملل متحد اقداماتی برای ارتقای مشارکت زنان در فرایند حفظ صلح و امنیت بین‌الملل اتخاذ شده است. برای نمونه می‌توان به اقداماتی نظیر ایجاد کمیته‌های تخصصی برای حمایت از زنان و ایجاد صندوق‌های امانی برای زنان قربانی خشونت جنسی اشاره کرد.^۱ رویکرد سازمان ملل متحد همواره حاکی از ایجاد کمیسیون‌ها و کنفرانس‌های با هدف ارتقای کمی و کیفی تأثیرگذاری زنان در فرایند صلح به‌طور خاص، پس از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد است (صبوری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷).

بررسی وضعیت زنان افغان در گذر تاریخ

دوران پیش از طالبان

از زمان شکل‌گیری افغانستان کنونی تا زمان امان‌الله خان زنان در هیچ عرصه‌ای مشارکت نداشته‌اند. زنان نه فقط مشارکت نداشته‌اند، بلکه از انظار عمومی نیز غایب بوده‌اند. جایگاه زنان در میان چهاردیواری بوده است. در زمان امان‌الله خان وضعیت زنان کمی تغییر کرد (قادری، ۱۳۹۲). امیر امان‌الله خان که از سال ۱۹۱۹ قدرت را به دست گرفت، هدف اصلی‌اش اصلاحات و تغییرات بود. یکی از محورهای مهم اصلاحات حکومت وی، «تأمین برابری حقوق زن و مرد» بود. ملکه ثریا، همسر امان‌الله خان، به عنوان اولین پایه‌گذاران حضور سیاسی و اجتماعی زنان، نقشی مهم

۱. برگرفته از www.unwoman.org

را در این دوره ایفا کرد. نخستین سازمان زنان به نام «انجمن حمایت نسوان» در این دوره تأسیس شد که ملکه ثریا در اجرایی شدن همه این طرح‌ها نقشی فعال داشت. انجمن حمایت از نسوان توسط دوازده نفر از زنان و وکلای کابل اداره می‌شد. از دیگر اقدامات می‌توان به امکان فراهم شدن تحصیل برای زنان اشاره کرد، زیرا تا قبل از سال ۱۹۱۹، فقط زنان مرفه و خانواده‌های سلطنتی امکان تحصیل داشتند. از دیگر اقدامات مهم در این دوره، که حتی به سقوط رژیم کمک کرد، رفع حجاب بود. به‌طور کلی، برنامه مدرن‌سازی افغانستان که از زمان امان‌الله خان (۱۹۱۹-۱۹۲۹) آغاز شد، باعث تغییر وضعیت زنان شد. این تحولات با واکنش سران قبایل و خانواده‌های سنتی مواجه شد و در نهایت، امان‌الله خان شکست و مجبور به ترک وطن شد (حسینی، ۱۳۹۰، صص ۱۴۹ و ۱۵۰).

اصلاحات زمان امان‌الله خان، با حاکمیت یافتن امیر حبیب‌الله ملقب به «بچه سقا» در ۱۳۰۷ شمسی به بن‌بست رسید. به تعبیر اغلب محققان دوران حکومت او «فاجعه‌ای در تاریخ افغانستان محسوب می‌شد» که مردم در اندک مدتی از او روگردان شدند. وضعیت زنان نیز، همچنان با مشکلات بسیار باقی ماند. به همین سبب، عمر حکومت حبیب‌الله شاه، بیش از دو ماه طول نکشید. در زمان محمد نادرشاه هم قوانینی جدید تصویب شد و مخالفت با اصلاحات زمان امان‌الله خان به شکل دیگری پیگیری شد و زنان مجدداً مکلف به حجاب شده و از آموزش منع شدند (توکلی، ۱۳۸۹، ص ۱).

با پیدایش نیازهای جدید در جامعه، که آموزش دختران را ضروری می‌کرد، فرصت برای تحصیل زنان در سطح محدود، آن هم فقط در شهرها مهیا شد. در دوره محمدظاهرشاه نخستین گام‌ها برای برپایی نظام مشروطه و محدودکردن اختیارات خانواده شاهی برداشته شد. طبق قانون اساسی قوه مقننه متشکل از دو مجلس با عنوان «ولسی جرگه» و «مشرانو جرگه» تأسیس شد. در این دوران، برای اولین بار در تاریخ افغانستان، چهار زن با برنامه‌های جداگانه به عضویت «ولسی جرگه» انتخاب شدند و در شورا جا گرفتند (فرهنگ، ۱۳۸۰، ص ۷۶۸).

به دنبال کودتای داوودخان و اعلام نظام جمهوری، نظام مشروطه ملغی شد. اقدامات ترقی خواهانه در دولت داوودخان که در زمان امان‌الله خان شروع شده بود، در سال ۱۳۳۸ شمسی، مجدداً پیگیری شد. در این دوره، تعدادی از زنان شهرنشین از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار شدند و اولین هیئت زن در سال ۱۳۲۹ به سازمان ملل متحد فرستاده شد و در سال ۱۳۳۴ زنان توانستند حق رأی کسب کنند



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

و در همین زمان زنی به‌عنوان وزیر صحت عامه بین سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ منصوب شد و اولین گام‌های مشارکت سیاسی زنان پایه‌ریزی شد (حسینی، ۱۳۹۰، صص ۱۵۰ و ۱۵۱).

با کودتای نورمحمد تره‌کی و معاونش، ببرک کارمل، که گرایش‌های کمونیستی داشتند، قوانینی از سوی «شورای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان» تصویب شد که تغییر نظام و تفکر اجتماعی، و گذر از نظام قبیله‌ای و طایفه‌ای به نظام و تفکر سوسیالیستی را دربرداشت. دوران حکومت‌های سوسیالیستی و کمونیستی در افغانستان، مقطعی مهم، به‌ویژه برای زنان است، به‌طوری که ریشه بسیاری از وقایع سیاسی در طی سال‌های گذشته را می‌توان در دوران این حکومت‌ها یافت. زنان در این دوران به پیشرفت‌های زیادی دست یافتند. برخی اصلاحات انجام گرفته در این دوره عبارت‌اند از ملغی کردن رسوم سنتی ازدواج، بالابردن سن بلوغ دختران تا ۱۶ سال، ممنوعیت پوشیدن برقع، اجبار مردان به تراشیدن ریش، تحصیلات و آموزش اجباری برای دختران، حق رأی زنان اشاره کرد. اما در دوران طالبان درست عکس این اصلاحات، همراه با خشونت فزاینده انجام گرفت (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱).

تهاجم نظامی شوروی به افغانستان به مدت ده سال از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ به جنگ داخلی گسترده‌ای منجر شد و در نهایت، به دلیل ناکامی روس‌ها در مهار آن موجب شد که شوروی در سال ۱۹۸۹ افغانستان را ترک کند. با خروج شوروی و قطع کمک‌هایی که از جانب این کشور می‌شد، حکومت نجیب‌الله ضعیف و در نهایت، سقوط کرد. این واقعه سرآغاز دوره نوین از تغییرات سیاسی در افغانستان بود که مسائل اجتماعی را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد (توکلی، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

با سقوط نجیب‌الله از قدرت، دوره دوم جنگ‌های داخلی از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ آغاز شد و این بار میان مجموعه‌ای از نیروهای افغانی انجام گرفت و با تصرف افغانستان توسط طالبان در سال ۱۹۹۸ این جنگ‌ها پایان یافت. بیشترین واکنش در مقابل اصلاحات دولت‌های چپ‌گرا وقت کابل در ارتباط با زنان، توسط تشکیلات اسلام‌گرا، که به تدریج به نام مجاهدین شناخته شدند، انجام گرفت. مجاهدین در واکنش به سیاست‌های چپ‌گرایانه کابل و به دلیل باورهایی که به اسلام منتسب می‌کردند، مخالف تحصیل زنان و کار بیرون از خانه بودند. ظهور حرکت‌های افراطی اسلامی در دوران پس از کمونیسم و نیز دولت طالبان، تا حد زیادی معلول سیاست‌های اعمال‌شده در دوران اشغال شوروی در افغانستان است. تهدید به

نقش زنان در
فرایندهای مربوط
به صلح در عصر ...
(۱۷۳ تا ۱۹۹)

کنار گذاشتن برقع در زمان کمونیست‌ها روی دیگر سکه پوشیدن اجباری برقع در دوره حکومت اسلامی و دوره طالبان بود (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵).

دوره طالبان

در دوران جنگ‌های داخلی مجاهدین افغان در نیمه اول دهه ۹۰، طالبان به رهبری ملا عمر به قدرت رسیدند و با استفاده از نام مذهب، شریعت و قانون اسلام به یک حزب سیاسی مبدل شدند و با صدور فرمان و به‌کارگیری زور شلاق و سرنیزه پنج‌سال با نام امارت حکومت راندند. طالبان با نادیده‌گرفتن همه ارزش‌های انسانی، قوانین خاصی را با نام شریعت و اسلام به مردم افغانستان تحمیل کردند (توکلی، ۱۳۸۹، ص ۵).

دوره طالبان یکی از تاریک‌ترین دوران‌ها در تاریخ این کشور است. در این زمان افغانستان در یک انزوای کامل به سر می‌برد و زنان به عنوان نیمی از جمعیت از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم بودند. رهبران رژیم طالبان با دیدگاه یک‌سویه و خشک مانند اعراب دوره جاهلیت به زنان نگاه می‌کردند (طالبی، ۱۳۹۱). با به‌دست‌گرفتن قدرت توسط طالبان مشارکت نسبی زنان در امور سیاسی و اجتماعی نادیده گرفته شد و این امر به‌شدت از سوی نیروهای مذهبی حاکم مورد مخالفت قرار گرفت (مقصودی و غله‌دار، ۱۳۹۰، ص ۸۹). با دستیابی طالبان به قدرت، زنان سیر فقه‌رایی را تجربه کردند. آنان از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی محروم شدند. از اقدامات انجام‌گرفته در این دوران می‌توان به ممنوعیت از تحصیل، اشتغال، گشت‌وگذار و خرید مگر اینکه با شوهر و یا یکی از محارم و همچنین، منع کار زنان در مؤسسات خیریه و امداد خارجی حتی با چادر اشاره کرد. به طور کلی، این اقدامات و ده‌ها دستور دیگر در عصر طالبان همگی به محصورشدن زنان در خانه‌ها منجر شد (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴).

افغانستان در طی سال‌های پایانی قرن بیستم دوره بسیار دشواری را تجربه کرد؛ اگر با نگاهی مقایسه‌ای به وضعیت زنان نگریسته شود، تجربه زنان در دوران مجاهدین و طالبان در مقایسه با دوران کمونیستی به مراتب سخت‌تر و تلخ‌تر بوده است (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵). در دوران طالبان سخت‌ترین محدودیت‌ها و رفتارهای غیرانسانی را به نام اسلام تجربه کردند. طالبان زنان را از ورود به عرصه عمومی منع و آن‌ها را به عرصه خصوصی محدود کردند، اما با سقوط طالبان و با



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

کمک کشورهای غربی تلاش‌های گسترده‌ای شروع شد تا این محرومیت‌ها برطرف شود (کولایی، ۱۳۸۲، صص ۲۲۵ و ۲۲۶).

دوره پساطالبان

سال‌های اولیه بعد از سقوط طالبان، دولت جدید افغانستان گام‌های مهمی را برای حذف محدودیت‌هایی که طالبان درباره حقوق زنان ایجاد کرده بودند، برداشت. در سال ۲۰۰۴، حکومت افغانستان قانون جدیدی را تصویب کرد که براساس آن همه شهروندان افغان حقوق مساوی دارند. در اوایل سال ۲۰۰۳، افغانستان به کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان^۱ ملحق شد. در سال ۲۰۰۷، وزارت امور زنان طرح عمل ملی را برای زنان را تصویب کرد که تساوی کامل زنان را محقق می‌کرد. دوره پساطالبان را می‌توان عصر جدیدی برای زنان افغانستان دانست. از تحولات انجام‌گرفته در این دوره می‌توان به دستیابی زنان به فرصت‌های آموزشی، به رسمیت شناختن جایگاه و حقوق زنان در سیاست اشاره کرد. آن‌ها طبق قانون اساسی حق انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن را به دست آورده‌اند و در قانون انتخابات این کشور آمده است که از جمع کاندیداهای هر ولایت حداقل دو کاندیدای زن باید به پارلمان راه یابد. با وجود این، با توجه به اینکه افغانستان ۳۴ ولایت دارد، تا کنون حداقل ۶۸ زن به عنوان نماینده در مجلس نمایندگان و ۲۳ زن در مجلس سنا حضور پیدا کرده‌اند (طالبی، ۱۳۹۱).

بررسی وضعیت زنان افغانستان در عصر جهانی‌شدن

در ادامه، وضعیت سیاسی (حضور زنان در پارلمان - قوه مجریه)، اقتصادی (نرخ بیکاری - نرخ نیروی کار زنان) و اجتماعی (نرخ سواد - امید به زندگی) زنان افغانستان براساس آمارهای سازمان‌های بین‌المللی در عصر جهانی‌شدن (۲۰۱۷-۱۹۹۰) بررسی شده است.

وضعیت سیاسی زنان افغان (۲۰۱۷-۱۹۹۰)

مشارکت سیاسی زنان به آن معنا و مفهومی که امروزه پا به عرصه گفتمان و

1. CEDAW

متون نظری سیاسی گذاشته است، در جامعه افغانستان کمتر مجال ظهور و رشد داشته است. روی کار آمدن طالبان نیز نقطه پایانی برای همه تلاش‌هایی بود که هر چند جزئی در دوران ما قبل طالبان پیگیری شده بود (حسینی، ۱۳۹۰، صص ۱۵۳ و ۱۵۴). فقط بعد از خروج طالبان در این کشور می‌توان گفت مشارکت زنان اندکی بهبود یافته است. از آنجا که هدف بررسی وضعیت زنان افغانستان از لحاظ سیاسی در عصر جهانی شدن است، بنابراین، در این ادامه میزان نماینده‌های زن در پارلمان و وزرای زن در این بازه زمانی بررسی می‌شود.

الف) حضور زنان در قوه مقننه (۲۰۱۶-۱۹۹۰)

از آنجا که در دهه اول جهانی شدن، افغانستان درگیر جنگ‌های داخلی و بعد از آن حضور طالبان است، بنابراین، در این دوره زنان نه فقط از حقوق سیاسی، بلکه از حقوق ابتدایی خودشان هم محروم شده بودند. براساس آمارهای اتحادیه بین‌المللی پارلمان، فقط بعد از خروج طالبان از کشور، زنان موفق شدند مجدداً بعد از گذشت سال‌ها به پارلمان راه یافتند. آن‌ها در انتخابات ۲۰۰۵، با کسب ۶۸ کرسی از مجموع ۲۴۹ کرسی و در انتخابات ۲۰۱۰ هم با کسب ۶۹ کرسی از مجموع ۲۴۹ کرسی به موفقیت بی‌سابقه‌ای در تاریخ افغانستان نائل شدند. در حقیقت، افغانستان از لحاظ حضور نماینده‌های زن در پارلمان طی سال‌های گذشته در رنکینگ جهانی جایگاه به نسبت بالایی در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه کسب کرده است.^۱

ب) حضور زنان در قوه مجریه (۲۰۱۶-۱۹۹۰)

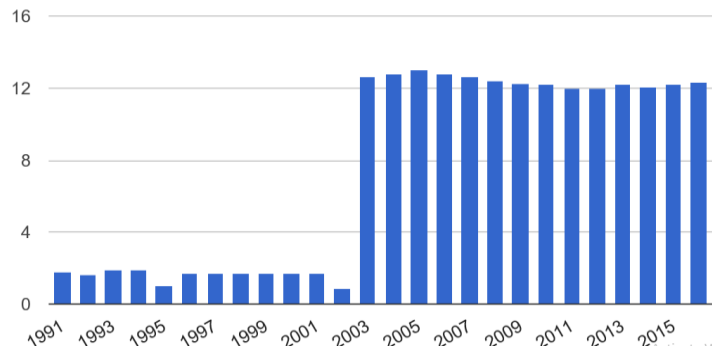
در دهه اول جهانی شدن فقط دو زن توانستند به کابینه راه یابند، که عبارت‌اند از معصومه عصمتی وردک^۲ به عنوان وزیر آموزش، و صاحبه فروک اعتمادی^۳ به عنوان وزیر امنیت اجتماعی. اما از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۶ تعداد وزرای زن و معاونان زن وزرا در افغانستان نسبت به گذشته به‌طور چشمگیری افزایش داشته است. حضور زنان طی این سال‌ها در وزارتخانه امور زنان بیشتر بوده است، اما آن‌ها در وزارتخانه‌های دیگر نظیر، آموزش، بهداشت، کشور، جوانان، کار و امور اجتماعی، معلولان و شهدا، اطلاعات و فرهنگ و وزارت مربوط به پناهندگان حضور یافته‌اند (Worldwide Guide to Women in Leadership, 2016).

1. Inter-Parliamentary Union, database 1996-2016

2. Masoma Esmati Wardak

3. Saleha Faruk Etemadi





شکل ۱. نرخ نیروی کار زنان افغانستان (۲۰۱۶-۱۹۹۰) (The Global Economy, 2016)

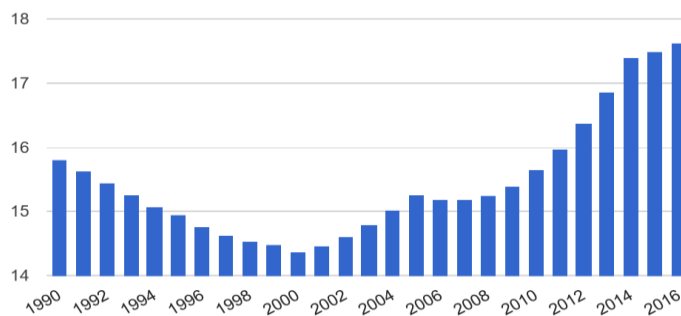
ج) وضعیت اقتصادی زنان افغان (۲۰۱۶-۱۹۹۰)

نرخ نیروی کار زنان در افغانستان

نرخ نیروی کار زنان افغانستان طی سال‌های (۲۰۱۶-۱۹۹۰) فراز و نشیب‌هایی را تجربه کرده است، اما نسبت به سال ۱۹۹۰ که نرخ نیروی کار در میان زنان برابر ۱۵/۸۱ درصد بود به ۱۷/۶۲ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش داشته است. براساس شکل ۱، طی این دوره زمانی، زنان در سال ۲۰۰۰ به کمترین میزان یعنی ۱۴/۳۸ درصد و در سال ۲۰۱۶ هم به بیشترین میزان از نرخ نیروی کار دست یافته‌اند.

نرخ بیکاری زنان در افغانستان

نرخ بیکاری زنان افغانستان در دهه اول جهانی شدن نسبت به دهه‌های دوم و سوم آن به استثنای سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ از دهه دوم، کمتر بوده است. طی این بازه زمانی، کمترین نرخ بیکاری مربوط به سال ۲۰۰۲، که برابر با ۰/۹ درصد است و بیشترین نرخ بیکاری مربوط به سال ۲۰۰۵، برابر با ۱۳ درصد بوده است.



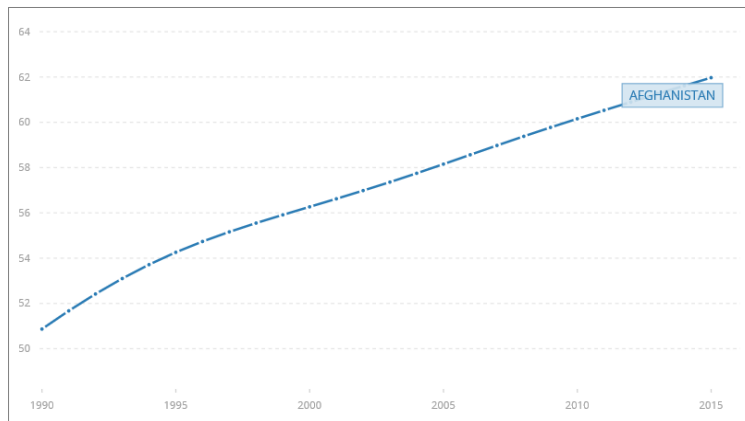
شکل ۲. نرخ بیکاری زنان افغانستان (۲۰۱۶-۱۹۹۱) (The Global Economy, 2016)

نقش زنان در فرایندهای مربوط به صلح در عصر ... (۱۷۳ تا ۱۹۹)

د) وضعیت اجتماعی زنان افغان (۲۰۱۷-۱۹۹۰)

امید به زندگی زنان در افغانستان

شکل ۳ مربوط به آخرین آمار بانک جهانی در زمینه نرخ امید به زندگی در میان زنان افغانستان در عصر جهانی شدن (۲۰۱۵-۱۹۹۰) است. داده‌ها حاکی از افزایش نرخ امید به زندگی در طی این سال‌ها است. در سال ۱۹۹۰، امید به زندگی در میان زنان افغانستان ۵۰/۸۷ سال و در سال ۲۰۱۵ به ۶۱/۹۷ سال افزایش داشته است.



شکل ۳. امید به زندگی زنان افغانستان (۱۹۹۰-۲۰۱۵) (World Bank, 2015).

براساس آخرین آمار که توسط مؤسسات دیگر جمع‌آوری شده است، نرخ امید به زندگی زنان افغان در سال ۲۰۱۶ به ۵۲/۷ سال که نسبت به سال ۲۰۱۵ اندکی کاهش داشته است (Index Mundi, 2017). در سال ۲۰۱۷، نرخ امید به زندگی زنان افغان به ۵۳/۱۵ سال افزایش یافته است و در رنکینگ جهانی در رتبه ۲۲۰ قرار گرفته است و جزء پایین‌ترین کشورهای از لحاظ نرخ امید به زندگی است (Geoba, 2017).

نرخ سواد زنان بزرگسال (۱۵ سال به بالا) در افغانستان

نرخ سواد زنان بالای ۱۵ سال، شاخص آماری که درصد زنان باسواد بالای ۱۵ را که توانایی خواندن و نوشتن به همراه فهم یک جمله خبری در ارتباط با زندگی روزانه را دارند، نشان می‌دهد (Index Mundi, 2017).

آمارهای منتشرشده از وضعیت آموزشی زنان افغانستان چندان خوشایند نیست. براساس آمار وزارت زنان افغانستان در سال ۱۳۸۹، سهم دختران در مدارس ۳۷



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

درصد و در دانشگاه‌ها ۱۸ درصد بود. فقط ۲۸ درصد از معلمان و ۱۵ درصد از استادان دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند که همه این آمارها نشان‌دهنده این حقیقت تلخ است که سهم زنان در عرصه تعلیم و تربیت و تحصیلات عالی دانشگاهی بسیار ناچیز است (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸). براساس داده‌های بانک جهانی، در سال ۱۹۷۹، فقط ۴/۷۹ درصد از زنان بالای ۱۵ سال باسواد بودند و در سال ۲۰۱۱، به ۱۷/۶۱ درصد افزایش و در سال ۲۰۱۵ به ۲۳/۸۷ درصد افزایش داشته است (World Bank, 2017).

نقش زنان افغانستان در صلح

افغانستان برای رسیدن به صلح و سعادت دائمی نیازمند همکاری و مشارکت فزاینده زنان در سیاست و اجتماع است. زنان در این کشور به مثابه یک منبع بالقوه هستند که می‌توانند در آینده کشور نقش بسزایی داشته باشند. آن‌ها حق، ظرفیت و آرزوی این را دارند که در شکوفایی آینده افغانستان سهم بگیرند. تلاش‌های شایان توجهی برای بهبود وضعیت زنان افغانستان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انجام گرفته است (طالبی، ۱۳۹۱). در این مبحث نقش زنان افغانستان در روند صلح در سطح خرد با استفاده از شاخص‌های مربوط به سطح خرد نظیر سازمان‌های غیردولتی، شورای صلح به مثابه نهاد دولتی و گفتمان افغان‌ها پیرامون صلح (گفتمان مردم) و سایر اقدامات نظیر کنفرانس، سمینار، ورکشاپ و سمپوزیوم مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

نقش سازمان‌های غیردولتی زنان در روند صلح

سازمان‌های غیردولتی طی سال‌های گذشته توسعه چشمگیری داشته‌اند. سازمان‌های غیردولتی زنان برای ارتقای موقعیت اجتماعی سیاسی، اقتصادی زنان در همه کشورهای جهان توسعه یافته‌اند. در ادامه، مهم‌ترین سازمان‌های غیردولتی در رابطه با صلح در افغانستان معرفی می‌شود. مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی^۱، دفتر ارتباط^۲، حرکت سمون، جرگه هماهنگی نهادهای مدنی، مؤسسه

نقش زنان در
فرایندهای مربوط
به صلح در عصر ...
(۱۷۳ تا ۱۹۹)

1. Equality for Peace and Democracy
2. The Liaison Office

ابتکار آزاد و مدنی برای صلح^۱، مؤسسه رفاه بشر^۲، مؤسسه حقوق بشری و دموکراسی افغانستان^۳، ابرار^۴، مؤسسه انکشافی افغان^۵، همکاری برای صلح و انکشاف^۶، مؤسسه آموزشی و تحقیقی صلح^۷، مرکز انکشافی و تربیوی افغان^۸، مؤسسه روزنه صلح زنان و بازسازی افغانستان^۹، همکاری برای صلح و وحدت^{۱۰}، مجتمع تحول صلح‌آمیز افغانستان^{۱۱}، انستیتو تحقیقاتی زنان، صلح و امنیت افغانستان^{۱۲}، مرکز تعلیمی زنان افغان^{۱۳}، مؤسسه انکشافی سنایی^{۱۴}، فدراسیون نهادهای جامعه مدنی^{۱۵}، شبکه زنان افغان^{۱۶} (آژانس خبری پژواک، ۱۳۹۲).

از میان سازمان‌های یادشده، در برخی از این سازمان‌ها زنان نقش فعالی را ایفا می‌کنند. از آنجا که یکی از اهداف این سازمان‌ها صلح است، زنان با فعالیت در این سازمان‌ها می‌توانند نقش مؤثری در صلح افغانستان ایفا کنند. در اینجا تلاش شده است به‌طور مختصر این سازمان‌ها معرفی شود.

الف) مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی

مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی یک نهاد غیردولتی، غیرانتفاعی است. این مؤسسه در سال ۲۰۱۰ توسط نرگس نهران تأسیس شد. مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی برای ارتقای ظرفیت جوانان و زنان فعالیت می‌کند تا آن‌ها نیازمندی‌ها و ضرورت‌هایشان را در فرایندهای انکشاف، صلح و دموکراسی انعکاس دهند. از دیگر اقدامات این مؤسسه می‌توان به بسیج کردن زنان در راستای فایق آمدن با چالش‌های بی‌ثباتی که افغانستان با آن دست به‌گریبان است، اشاره کرد.

1. Civil liberal initiative for peace
2. Organization of Human Welfare
3. Afghanistan Human Rights and Democracy Organization
4. Afghan Amputee Bicyclists for Rehabilitation and Recreation
5. Afghanistan Development Association
6. Cooperation for Peace and Development
7. Peace Training and Research Organization
8. Afghanistan Center for Training and Development
9. Peace Windows Women Rehabilitation Organization for Afghanistan
10. Cooperation for Peace and Unity
11. Peaceful Transformation of Afghanistan
12. Women Peace & Security Research Institute
13. Afghan Women's Educational Center
14. Sanayee Development organization)
15. Federation of Afghanistan's Civil Society
16. Afghan Women's Network



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

ب) مؤسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح

مؤسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح در سال ۲۰۱۲ تأسیس شد که یک مؤسسه غیرانتفاعی، غیرسیاسی و مستقل می‌باشد که به منظور رشد فرصت‌های اجتماعی برای زنان و جوانان، برنامه‌های آگاهی‌دهی و ارتقای ظرفیت را فراهم می‌کند، تا آنان بتوانند در فعالیت‌های مدنی مانند انتخابات، حکومت‌داری خوب، حاکمیت قانون و حقوق بشر اشتراک کنند. بیشتر فعالیت‌های این نهاد در ولایت‌های کابل، پروان، کاپیسا و پنجشیر متمرکز است و در سایر ولایات هم قصد فعالیت دارند (Civil liberal initiative for peace, 2012).

ج) ابرار

ابرار مؤسسه‌ای محلی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی است که در سال ۱۹۹۲ به منظور یکپارچگی اقتصادی - اجتماعی و توانبخشی معلولین و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه تأسیس شد. اولین کار آن آموزش دوچرخه‌سواری به معلولین بود. هدف افزایش استقلال افراد معلول و صرفه‌جویی در هزینه‌های رفت‌وآمد این افراد بود. به مرور زمان عرصه فعالیت این مؤسسه گسترش یافت و برنامه‌های اجتماعی هم برای زنان و کودکان برای نیازهایشان طراحی کرد. همچنان، ابرار برای توسعه اجتماعی، افزایش آگاهی افراد معلول از حقوق‌شان و دفع نگرش‌های منفی در زمینه افراد ناتوان نیز فعالیت می‌کند (Afghan Amputee Bicyclists for Rehabilitation and Recreation, 2016). در سال ۲۰۱۴ لیلا احمدی^۱ و در سال ۲۰۱۵ زرلاشت فیزی^۲ در این مؤسسه عضو شدند (AABRAR's Board Members, 2016).

د) مؤسسه انکشافی افغان

مؤسسه انکشافی افغان سازمانی غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی است که خدمات انسان‌دوستانه و توسعه‌ای را برای افغان‌ها عرضه می‌دهد. از سال ۱۹۹۰ تا به حال، در بخش‌های مختلف خدمات گوناگونی را در سراسر افغانستان برای افراد محتاج و آسیب‌دیده عرضه کرده است. این نهاد می‌خواهد با دفاتر ولایتی شورای

1. Leila Ahmadi
2. Zarlasht Faizi

صلح کار کند که به حیث همکاران کلیدی فرایند صلح، ظرفیت‌های آن ارتقا یابد یکی از اعضای این سازمان در سمت مشاور جنسیتی یک خانم با نام ملیحه عزیز^۱ است (Afghan Development Association, 2017).

ه) مؤسسه روزنه صلح زنان و بازسازی افغانستان

مؤسسه روزنه صلح زنان و بازسازی افغانستان مؤسسه‌ای غیرحکومتی و غیرسیاسی است که برای بهبود زندگی مردم به‌ویژه زنان فعالیت دارد. این مؤسسه تلاش دارد تا با ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، زنان را قادر کند در روند تصمیم‌گیری و دولت‌داری بیشتر سهیم شوند. این مؤسسه برای افزایش دسترسی مردم به نهادهای عدلی در ولایت قندوز طرح شده است. در جریان تطبیق فعالیت‌ها، انتظار می‌رود حدود ۱۰۰۰ عضو پلیس محلی آموزش‌هایی را در زمینه میانجیگری و مسائل حقوقی دریافت کنند تا بتوانند در حل منازعات در محلات‌شان، به‌طور مؤثر و مناسب پاسخ بگویند (آژانس خبری پژواک، ۱۳۹۲).

و) سازمان همکاری برای صلح و وحدت

سازمان همکاری برای صلح و وحدت سازمانی غیرانتفاعی است که تقریباً دو دهه تجربه در زمینه ترویج صلح و عدالت اجتماعی دارد. این سازمان در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده، و در طول دهه گذشته، بیش از ۴۰۰ پروژه در بیش از ۲۶ ولایت افغانستان اجرا کرده است. این پروژه‌ها شامل طرح‌های پژوهشی، مدیریت صلح و جنگ، آموزش خلاقانه و ایجاد صلح، برنامه‌نویسی و رسانه‌ها بوده است. علاوه بر این، این مؤسسه دوره‌های آموزشی صلح برای بیش از ۳۰۰۰۰ مرد و زن، و کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی برای نهادهای گوناگون برگزار کرده است. نکته بااهمیت این است که در بخش‌های گوناگون این مؤسسه تعدادی زن فعالیت می‌کنند. برای مثال ریتو پریا^۲ مدیریت برنامه‌های اجرایی را به عهده دارد و مریم شیرجانی^۳ در بخش ارتباطات فعالیت می‌کند (Cooperation for Peace and Unity, 2017).



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

1. Maliha Aziz
2. Ritu Priya
3. Maryam shirjani

ز) انستیتوی تحقیقاتی زنان، صلح و امنیت افغانستان

انستیتوی تحقیقاتی زنان، صلح و امنیت افغانستان در سال ۲۰۱۰ توسط فعالان زن افغان تأسیس شد. این سازمان نقشی مهم را در موضوع صلح و امنیت زنان ایفا می‌کند و در موضوع مشارکت معنادار زنان در روندهای مربوط به صلح با شورای صلح همکاری نزدیکی دارد. علاوه بر این، این مؤسسه برای ساخت اجتماعی مبتنی بر صلح فراگیر با سازمان‌های محلی و دیگر فعالان تلاش می‌کند (Research Institute for Women Peace & Security, 2015).

ح) مرکز تعلیمی زنان افغان

مرکز تعلیمی زنان افغان در سال ۱۹۹۱ توسط زنان تحصیل‌کرده پناهنده در اسلام‌آباد پاکستان تأسیس شد. این نهاد از نخستین سازمان‌های غیردولتی است که در اسلام‌آباد ایجاد شده است. این مرکز اقداماتی به منظور گردهمایی زنان، آموزش به زنان، یادگیری زبان انگلیسی و کامپیوتر، همچنین، آگاهی زنان از حقوق‌شان انجام داده است (Afghan Women's Educational Center, 2017). فعالیت‌های این نهاد در سال ۲۰۰۲ میلادی در کوچه‌های پیشاور با ایجاد دو مرکز آموزشی و بعداً فعالیت‌های آن با اجرای کارهای آموزشی و خدمات اقتصادی تا شهر کابل رسید. اکنون این مؤسسه در بخش عدالت‌خواهی، سهیم‌شدن زنان در بخش سیاسی، تحکیم صلح سراسری، ایجاد پالیسی‌های زنان و تطبیق آن در جامعه فعالیت می‌کند (آژانس خبری پژواک، ۱۳۹۲).

ط) شبکه زنان افغان

بعد از چهارمین کنفرانس سازمان ملل در رابطه با زنان در پکن، در جایی که گروه‌های مختلف زنان از سازمان‌ها و نهادهای مختلف سازمان ملل شرکت کرده بودند، نظریه ایجاد شبکه زنان افغان مطرح شد و سرانجام با الهام از جنبش زنان در نقاط گوناگون دنیا در سال ۱۹۹۵، شرکت‌کنندگان زن در کنفرانس به ایجاد این نهاد تصمیم گرفتند. به‌طور کلی اعضا این سازمان شامل اعضا انفرادی و سازمان‌های غیردولتی است. بیش از ۳۵۰۰ عضو فردی و ۱۲۵ سازمان زنان عضویت دارند. اعضای انفرادی صرفاً باید زن باشند و باید به حقوق زنان و کودکان متعهد باشند؛ همچنین، آن‌ها نباید از نام این سازمان برای مقاصد شخصی خود استفاده کنند (Afghan Women's Network, 2017). شبکه زنان افغان یک شبکه‌ای غیرسیاسی و

نقش زنان در
فرایندهای مربوط
به صلح در عصر ...
(۱۷۳ تا ۱۹۹)

غیرانتفاعی زنان است. این سازمان حضور فعال در ولایت‌های پکتیا، قندهار، قندوز، هرات، ننگرهار، بامیان و بلخ داشته و همچنان در سایر ولایت‌های افغانستان به همکاری اعضای خویش دسترسی و فعالیت دارد. شبکه زنان افغان تلاش دارد تا در اصلاح قوانین و ترویج حقوق زنان مؤثر باشد، شبکه زنان افغان در ادامه فعالیت‌های خویش در راستای تأمین مصونیت حقوقی و اجتماعی زنان، سیستم پاسخ‌دهی سریع را به راه انداخته است تا زنان که با خطرات ناشی از خشونت‌ها مواجهند، رسیدگی کرده و با به‌کارگیری تکنولوژی جدید، برای نجات زنان از خشونت‌ها کمک کرده و خدمات به قربانیان خشونت را فراهم کند. اولویت‌های استراتژیک این شبکه، رهبری و مشارکت سیاسی زنان، صلح و امنیت، مصونیت حقوقی و اجتماعی زنان بوده و فعالیت‌های دادخواهی، هماهنگی و ارتقای ظرفیت را برای زنان افغان انجام می‌دهد (اژانس خبری پژواک، ۱۳۹۲).

شورای عالی صلح

شورای عالی صلح که متشکل از ۶۹ عضو (نه زن) است، در سال ۲۰۱۰ میلادی با هدف تطبیق برنامه صلح و ادغام مجدد، تأسیس یافت. تأکید این شورا بر افزایش تلاش‌ها برای مذاکره با مخالفان به‌ویژه طالبان بوده است، با این حال، با وجود موجودیت شورای عالی صلح راضی نبوده‌اند. به علاوه عدم شفافیت در روند صلح و محض نمادین بودن نقش زنان در سطوح تصمیم‌گیری‌های این فرایند یکی از نگرانی‌های دیگر در میان مردم بوده است (مؤسسه برابری صلح، ۲۰۱۶). شورای عالی صلح نهادی دولتی است که از حکومت افغانستان نمایندگی می‌کند. حداقل افراد و اعضای آن از طرف دولت افغانستان تعیین می‌شوند. در حالی که روند صلح به میانجیگری نیاز دارد. اکثر اعضای شورای عالی صلح وظایف رسمی دیگری نیز دارند، مثل عضویت نمایندگان مجلس، مجلس سنا، حقوق بشر و امثال آن.

در فوریه سال ۲۰۱۶، از جانب رئیس جمهور کشور تغییرات عمده در نقش‌ها، مسئولیت‌ها و رهبری شورای عالی و برنامه صلح ادغام مجدد افغانستان، رونما شده‌اند. این تغییرات دربرگیرنده رهبری جدید شورای عالی صلح با داشتن یک تن رئیس، شش تن معاون زن و دو تن مشاور زن است. شورای عالی صلح یک تن معاون زن و دو تن مشاور زن دارد که عضویت رهبری شورای یادشده را دارند و اکنون می‌توانند مشورت‌های استراتژیک ارائه بدهند (شبکه زنان افغان، ۲۰۱۶، ص ۲).



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

مؤسسه آموزش و تحقیق صلح در سال ۲۰۱۴ میلادی تحقیقی را پیرامون مشارکت و نقش زنان در برنامه صلح و بازگشت به زندگی مسالمت‌آمیز انجام داد. هرچند برنامه صلح و بازگشت به زندگی صلح‌آمیز افغانستان سیاست برابری جنسیت دارد، اما این برنامه به‌ویژه در راستای تصمیم‌گیری کمرنگ است. همان‌طور که در راستای نظارت و ارزیابی پیرامون فعالیت‌های مصلحانه در افغانستان تفاوت‌هایی دارد. در برخی جرگه‌های صلح زنان با ساختارهای رسمی و غیررسمی حکومت‌داری نشست‌هایی را برگزار می‌کنند. در حالی که اکثر زنان نقش خود را تا واحدهای فامیل محدود دانسته‌اند. نتایج تحقیقات نشان داده است که زنان در اجتماعاتشان حق پذیرفتن یا رد کردن اشخاص پیوسته به صلح را ندارند. کمپین‌های زنان افغانستان برای صلح و آتش‌بس شورای عالی صلح، هرچند در راستای فعالیت‌های رسمی حکومت، نمونه دلچسب و جالبی از مشارکت زنان است، باز هم این نمونه از مشارکت واقعی زنان در فرایند نمایندگی نمی‌کند (مؤسسه آموزشی و تحقیقات صلح، ۲۰۱۴).

در اواسط فوریه سال ۲۰۱۶ میلادی، ۲۵ تن از زنان سرشناس به عنوان کاندیدای برای عضویت شورای عالی صلح تعیین شدند. این ۲۵ تن نامزدان به‌طور رسمی با رئیس جمهور یا رئیس اجرائیه شریک شدند، و در فرجام دو نفر از میان آن‌ها به عنوان عضو شورای صلح انتخاب شدند (نقشه راه برای صلح، جامعه مدنی و پروسه صلح در افغانستان، ۱۳۹۵، ص ۲).

زنان افغانستان با عضویت در شورای عالی صلح تا کنون دستاوردهایی به دست آورده‌اند. از مهم‌ترین دستاوردهای زنان می‌توان به موفقیت آنان در جلب توجه و حمایت جامعه بین‌المللی، گفت‌وگو با طالبان، انعکاس‌دهنده تقاضاهای صلح‌طلبی دیگر زنان و ایجاد ذهنیت در افراد راجع به صلح اشاره کرد (نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، ۱۳۹۴، صص ۲۵ و ۲۶).

نقش زنان در
فرایندهای مربوط
به صلح در عصر ...
(۱۷۳ تا ۱۹۹)

گفتمان افغان‌ها پیرامون صلح (گفتمان مردم)

گفتمان افغان‌ها پیرامون صلح، ابتکاری است که در آن مردم عادی افغانستان می‌توانند دیدگاه‌های خود را به وسیله مباحثات فراگیر مردمی در زمینه صلح، آشتی، امنیت، اقتصاد، پیشرفت، حقوق بشر و حاکمیت قانون بیان کنند. در سال ۲۰۱۱ میلادی، ۷۸ بحث گروهی در ۳۱ ولایت افغانستان با حضور ۱۵۰۰ نفر از

زنان و مردان برگزار شد. یک کمیته که شامل ۱۳ نهاد جامعه مدنی بود، گفتمان مردم را رهبری می‌کرد. در این گفتمان زنان مختلفی از طبقات مختلف اجتماعی حضور یافتند. آمارها حاکی از شرکت بیش از ۵۰۰ زن در این گفتمان است (گفتمان مردم افغانستان پیرامون صلح، ۲۰۱۱، صص ۲ و ۳). این گفتمان بدان دلیل اهمیت دارد که زنان توانستند آزادانه دیدگاه‌ها و برنامه‌های خود را در موضوعات گوناگون بیان کنند.

سایر اقدامات (برگزاری ورکشاپ، سمپوزیوم، کنفرانس و سمینار)

از دیگر اقدامات که در جامعه افغانستان در عصر جهانی شدن در راستای صلح و امنیت رخ داده است، می‌توان به برگزاری ورکشاپ، سمپوزیوم، کنفرانس‌ها و سمینارهای متعددی است که در این زمینه به پیشنهاد افراد و نهادهای گوناگونی است که برگزار شده است. در این قسمت به‌طور اجمالی مهم‌ترین این اقدامات معرفی می‌شود.

از دیگر اقدامات مهم در زمینه ترویج نقش زنان در روند صلح افغانستان، می‌توان به برگزاری ورکشاپ‌هایی در این رابطه اشاره کرد. در سال ۲۰۱۶، ورکشاپ تقویت اشتراک زنان در فرایند صلح و امنیت تحت ریاست نبیله مصلح، معین مالی و اداری وزارت امور زنان، با اشتراک حبیبه سرابی، معاون شورای عالی صلح، فعالین حقوق زن از، ولایت‌های کابل، ننگرهار، لغمان، میدان وردک، پروان، بامیان، لوگر و پنجشیر، رؤسا و کارمندان وزارت امور زنان در کابل برگزار شد. هدف از تدوین این ورکشاپ مهیا کردن فرصت‌ها برای حل چالش‌هایی که فرا راه زنان در رسیدن به فرایند صلح و پیدا کردن راهکارها برای اشتراک زنان در فرایند صلح عنوان شده است. شرکت‌کنندگان به مدت دو روز روی موضوعات مختلف، علت و انگیزه اساسی منازعات از دید محلی، تجربه‌های بین‌المللی و شیوه‌های موفق برای مشارکت زنان در فرایند صلح، تقویت اشتراک زنان در ایجاد صلح در سطوح ملی و محلی، تعهدات ملی و بین‌المللی حکومت افغانستان برای تقویت زنان در صلح و امنیت افغانستان، بحث و تبادل نظر کردند (وزارت امور زنان جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۹۶).

طی عصر جهانی شدن سمپوزیوم‌های مهمی در زمینه موضوعات گوناگون در افغانستان برگزار شده است. برخی از این سمپوزیوم‌ها در زمینه صلح و امنیت بوده



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

است و در برخی از آن‌ها زنان نقش پررنگی داشته‌اند. چهارمین سمپوزیوم در این زمینه در سال ۱۳۹۶ با عنوان «زنان افغان، پیام‌آور صلح» برگزار شد. محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور کشور در این سمپوزیم خواستار حضور پررنگ زنان در روند صلح شد (خبرگزاری خاورمیانه، ۱۳۹۶).

در سال ۱۳۹۴، کنفرانسی با عنوان «کنفرانس زنان، صلح، ایثار و اعتمادسازی» از سوی وزارت امور زنان برگزار شد. وزیر امور زنان که در کنفرانس زنان، صلح، ایثار و اعتمادسازی سخن می‌گفت، بیان کرد بحران بی‌اعتمادی در کشور جنگ و برادرکشی را به میان آورده است که نیازمند اعتمادسازی در میان همه اقشار جامعه به‌ویژه مادران و زنان هستیم. هدف از برگزاری این کنفرانس بیان مکلفیت‌های دولت در قبال زنان به‌ویژه مادران خواهد بود که زنان و مادران چه نقشی را در فرایند صلح و دولت‌سازی خواهند داشت بود (وزارت امور زنان جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۹۴).

از دیگر رویدادهای مهم در عصر جهانی‌شدن می‌توان به برگزاری سمینارهای متنوع اشاره کرد. طی دهه‌های گذشته سمینارهای متعددی در افغانستان برگزار شده است. در برخی از این سمینارها موضوع زنان اهمیت شایان توجهی دارد و زنان حضور پررنگی در این سمینارها داشته‌اند. برای مثال در سال ۱۳۹۶ سمیناری با عنوان گفتمان ملی زنان، صلح و امنیت برگزار شد. در این سمینار نقش زنان در روند صلح بررسی شد و سخنرانان خواهان حضور پررنگ‌تر زنان در روند صلح شدند و همگی اذعان کردند صلح پایدار در افغانستان بدون حضور پررنگ‌تر زنان رخ نمی‌دهد (مؤسسه تحصیلات عالی گوهرشاد، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

در سطح بین‌المللی بعد از تشکیل سازمان ملل متحد زنان با عضویت در این نهاد اقدامات گسترده‌ای را با هدف ایجاد صلح انجام داده و همواره نقش برجسته‌ای در این روند داشته‌اند. میزان اثرگذاری زنان مشروط به مشارکت فراگیر زنان از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. برای رسیدن به صلح پایدار، مشارکت سیاسی فزاینده زنان بسیار تعیین‌کننده است.

در سطح میانی کشورهای بسیاری وجود دارند که موانع زیادی در مسیر مشارکت فراگیر زنان به‌ویژه از لحاظ سیاسی و صلح‌سازی برای زنان ایجاد

نقش زنان در
فرایندهای مربوط
به صلح در عصر ...
(۱۷۳ تا ۱۹۹)

کرده‌اند. افغانستان یکی از مهم‌ترین کشورها در عرصه نظام بین‌الملل است که برای دهه‌های طولانی درگیر جنگ و تبعیض شدید علیه زنان بوده است. در دوران پیش از طالبان این معضل همواره با شدت مختلفی وجود داشته است. در دوران حکومت طالبان و قدرت‌گرفتن تندروهای مذهبی و بنیادگرایان اسلامی زنان حتی از ابتدایی‌ترین حقوق خود نیز منع شدند. با سقوط حکومت طالبان، کنفرانس بن آلمان در سال ۲۰۰۲ که با هدف ایجاد حکومت وحدت ملی در راستای (ایجاد صلح، حفظ صلح و گسترش صلح) برگزار شد. زنان با توجه به روحیه وحدت‌بخش و مشارکتی فعالی که داشتند حضور بسیار مؤثری را زمینه‌سازی انجام دادند، در این مقطع، زنان به‌طور همگام در نمایندگی‌های محلی و شورای عالی صلح و در سازمان‌های غیردولتی افغانستان در زمینه صلح فعالیت کردند؛ علیرغم محدودیت‌ها و محذوریتهای تحمیلی جامعه سنتی افغانستان اقدامات شایان توجه و شایسته‌ای را در ایجاد صلح فراگیر انجام دادند. و یافته‌های تحقیق نیز این ادعای نویسندگان را تأیید می‌کند.

اقدامات صلح‌طلبانه زنان باید به‌طور صریح در جامعه افغانستان منعکس شود. با توجه به گسترش روبه‌رشد دموکراسی خواهی و ترمیم‌کردن دولت مرکزی در این کشور، زنان می‌توانند گام‌های مؤثری بردارند؛ هم از طریق مشارکت فراگیر به‌طور عام، و به‌دست‌گرفتن پست‌های اجرایی و نمایندگی به‌طور خاص در روند صلح‌سازی و تسریع در اشاعه و فراگیری صلح ایفای نقش کنند. تجربه حضور زنان در جامعه مدنی و نهادهای گوناگون اثبات‌کننده موارد یادشده است. پیشینه‌سازی مقدماتی حضور حداکثری زنان در مشارکت گسترده سیاسی می‌تواند به افزایش صلح و نهادینه‌شدن صلح پایدار در افغانستان منجر شود.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

منابع

- آژانس خبری پژواک (۱۳۹۲). نهادهای مدنی کابل. برگرفته از <http://www.elections.pajhwok.com> در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۵.
- توکلی، فایزه (۱۳۸۹)، حیات اجتماعی زنان افغان در دوران معاصر. فصلنامه فیروزه، شماره ۱۴.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸). دولت و جهانی‌شدن در خاورمیانه. با همکاری اصغر افتخاری، حسین پور احمدی، محمدرضا تاجیک، رحمان قهرمان‌پور، بیژن اسدی، اصغر صارمی شهابی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، حلیمه (۱۳۹۰). وضعیت زنان افغانستان از بی‌عدالتی تا رسیدن به عدالت جنسیتی. پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۷.
- خبرگزاری بانوان افغانستان (۱۳۹۵). نقش نمادین زنان در روند صلح، برنامه دولت است. برگرفته از <http://www.awna.af> در تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۴.
- خبرگزاری خاورمیانه (۱۳۹۶). زنان افغان، پیام‌آوران صلح. برگرفته از <http://middleeastpress.com> در تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۵.
- سازمند، بهاره (۱۳۸۴). فرهنگ و حقوق بشر در پرتو جهانی‌شدن. راهبرد، شماره ۳۶.
- شادمانی، مهدیه (۱۳۹۵). درآمدی بر نقش زنان در مخاصمات و استقرار صلح. فصلنامه مطالعاتی دفاع از حقوق زنان، سال ۲، شماره ۴.
- شایگان، فریده (۱۳۷۴). مفهوم مطلق حقوق زن. مجله سیاست خارجی، شماره ۲.
- شبکه زنان افغانستان (۲۰۱۶). سند موقف: صدای زنان افغانستان. برگرفته از <http://www.acbar.org/upload/1477455516979.pdf>
- شفیع، نوذر (۱۳۹۱). رابطه صلح و حقوق بشر. برگرفته از <http://www.dsrc.ir> در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۲.
- شهرام‌نیا، امیرمسعود، و نظیفی نائینی، نازنین (۱۳۹۲). تأثیر جهانی‌شدن بر دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر نظریه صلح‌سازی. راهبرد فرهنگ، شماره ۲۴.
- صادقی، فاطمه (۱۳۸۴). سیاست برقع: زنان افغان پیش و پس از طالبان. مجله گفتگو، شماره ۴۴.

نقش زنان در
فرایندهای مربوط
به صلح در عصر ...
(۱۷۳ تا ۱۹۹)

- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل عمومی*. جلد اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- طالبی، معصومه (۱۳۹۰). وضعیت زنان افغانستان. برگرفته از <http://peace-ipsc.org> در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱۸.
- طاهری، مرضیه (۱۳۹۳). زنان، صلح و امنیت بین‌المللی. برگرفته از <http://mehrkhane.com> در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۰.
- فرهنگ، محمد صدیق (۱۳۸۰). *افغانستان در پنج قرن اخیر*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- قادری، علی (۱۳۹۲). نگاهی به مشارکت سیاسی زنان در افغانستان. برگرفته از <http://dailyafghanistan.com> در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۲۹.
- قریب، حسین (۱۳۸۰). جهانی‌شدن و چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران. *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره‌های ۱۶۷ و ۱۶۸.
- کولایی، الهه (۱۳۸۲). زنان در عرصه عمومی، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۱.
- گفتمان مردم افغانستان پیرامون صلح (۲۰۱۱). گذاشتن تهدایی برای پروسه صلح فراگیر در افغانستان. برگرفته از <https://unama.unmissions.org> در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۵.
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۳). *جهانی‌شدن فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی.
- مقصودی، مجتبی، و غله‌دار، ساحره (۱۳۹۰). مشارکت سیاسی زنان افغانستان در ساختار جدید قدرت پس از ۱۱ سپتامبر. *پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل*، دوره ۴، شماره ۱۷.
- مؤسسه تحصیلات عالی گوهرشاد (۱۳۹۶). سمینار گفتمان ملی زنان، صلح و امنیت. برگرفته از <http://gawharshad.edu> در تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۰.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۱). جهانی‌شدن؛ ابعاد و رویکردها. *فصل‌نامه مطالعات ملی*، سال ۳، شماره ۱۱.
- نصیری، حمید (۱۳۸۸). *صلح و کارکردهای آن در فقه و حقوق اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال (۱۳۹۴). *مشارکت زنان در روند صلح گزارش پژوهشی*. چاپ اول، کابل افغانستان.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

- وثوقی، پرستو (۱۳۸۹). حق زنان در احراز مناصب عمومی در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل بشر و قوانین ایران، (مطالعه تطبیقی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- وزارت امور زنان جمهوری اسلامی افغانستان (۱۳۹۴). کنفرانس زنان، صلح، ایثار و اعتمادسازی. برگرفته از <http://mowa.gov> در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲.
- وزارت امور زنان جمهوری اسلامی افغانستان (۱۳۹۶). ورکشاپ تقویت اشتراک زنان در پروسه صلح و امنیت. برگرفته از <http://mowa.gov> در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۶.

- Afghan Amputee Bicyclists for Rehabilitation and Recreation (2016). Who we are. Available at: <http://www.aabar.org>.
- Afghan Development Association (2017). Afghan Development Association (ADA). Available at: <http://www.ada.org>.
- Afghan Women's Network (2017). AWN's history. Available at: <http://www.awn-af.net>.
- Afghan Women's Educational Center (2017). A brief history of AWEC. Available at: <http://www.awec.info/eng/profile/>
- Civil liberal initiative for peace (2012). Who we are. Available at: <http://clip.org.af/about-us/who-we-are/>
- Cooperation for Peace and Unity (2017). Communication & program. Available at: <http://cpau.org>.
- Geoba.se (2017). The world: Life expectancy - female (2017) - Top 100+. Available at: <http://www.geoba.se/country.php?cc=AF&year=2017>.
- Index Mundi (2017). Afghanistan Demographics Profile 2017. Available at: <http://www.indexmundi.com>.
- Inter-Parliamentary Union (2016). Women in National Parliament. Available at: <http://www.ipu.org>.
- Research Institute for Women Peace & Security (2015). Afghanistan. Available at: <https://www.insightonconflict.org>.
- The Global Economy (2016). Afghanistan: Labor force, percent female. Available at: <http://www.theglobaleconomy.com>.
- The global economy (2016). Afghanistan: Unemployment rate for females. Available at: <http://www.theglobaleconomy.com>.
- World Bank (2015). Life expectancy at birth, female (years). Available at: <https://data.worldbank.org>.
- World Bank (2015). Literacy rate, adult female (% of females ages 15 and above). Available at: <https://data.worldbank.org>.
- Worldwide Guide to Women in Leadership (2016). Female ministers of the republic of Afghanistan/De Afghanistan Jamhuriat/Jamhuriat ye Afghanistan/Afghanistan. Available at: <http://www.guide2womenleaders.com>.

نقش زنان در
فرایندهای مربوط
به صلح در عصر ...
(۱۷۳ تا ۱۹۹)